

#### آچارکشی

#### گریه می‌کنی یا می‌خندی؟

• **پوریا عالمی:** شاید باورتان نشود ولی دیروز که اعلام کردیم به‌دلیل اینکه استاد حدادعادل و استاد حسینی، وزیر ارشاد اسبق و استاد ضرغامی از طنز تعریف کرده‌اند، افسردگی گرفتیم و گفتیم دیگر ستون طنز نمی‌نویسیم و می‌خواهیم آچارکشی کنیم، اتفاق عجیبی افتاد. چه اتفاقی؟ چندتا پیشنهاد شغل داشتیم. اول از همه یکی زنگ زد گفت می‌خواهی رئیس جمهور شوی؟ گفتم وای! من که هنوز شهردار تهران نشده‌ام. گفت جدی؟ پس هیچی و قطع کرد. بعد یکی زنگ زد گفت بیا بشو رئیس کل بانک‌های خصوصی و غیرخصوصی و عمومی و نمرو. گفتم ولی بعد خدوم می‌توانم ۵۰۰ هزار تومن وام تعمیرات بگیرم؟ گفت نه. وام گرفتن سخت است. ولی اگر بخواهی می‌توانی بروی بگل خاوری که رفت بگل سلین‌دیون همسایه‌اش شوی. بعد قطع کرد. یکی دیگر زنگ زد گفت بیا بشو رئیس مدیرعامل‌های استقلال و پرسپولیس. گفتیم اینها دوتا نیستند؟ گفت چقدر ساده‌ای تو؛ و با عصبانیت قطع کرد. بعد یکی زنگ زد گفت بیا چندتا کارخانه داریم مانده روی دستمان، چون دیگر آقازاده‌ای نمانده که بشود رئیسش کرد و این رانت‌ها مانده روی دستمان. بیا رانتمان را بخور. و سریع قطع کرد. خلاصه همین‌طوری نشسته بودم که یکی از کارگردانان تئاتر زنگ زد. به جان مادرم راست می‌گویم. گفت بیا یک نمایش بر اساس تو نوشتم. بیا و بازی‌اش کن. گفتم شوخی می‌کنی؟ گفت نه. بیا. تو بازیگری در خونت است. گفتم در کجا؟ گفت در خونت. گفتم من از خون می‌ترسم و بازی نمی‌کنم. گفت نه حتماً باید بازی کنی. گفتم باباجان من نویسنده‌ام. بازیگر نیستم. گفت اتفاقاً جالبی‌اش هم به همین است. تو این‌کاره نیستی اگر این کار را بکنی، می‌ترکاند. گفتم ای بابا. آقای احمدی‌نژاد هم فکر کنم بهش تعارف زدند شد شهردار و تعارف دوم را زدند شد رئیس‌جمهور. اصلاً هم بهش نمی‌آمد. اما با اینکه این‌کاره نبود، دیدید که این کار را کرد و به جای اینکه یکی‌یکی کاری کند و بترکاند، یک کاری کرد اقتصاد و جامعه و ورزش و منج و هندوانه با هم ترکیب و ادامه داد؛ بدی‌اش این است که مردم اول می‌خندند و بعد از دماغشان درمی‌آید و گریه می‌کنند. احساس کردم حرف عمیقی زدم و بهتر است جمله‌ام را با خط خوش روی دیوار بنویسند. بعد گوشی را قطع کردم و شبیه رستم که از کشتن تئاتر و فرهنگ و سهراب صرف‌نظر کرده باشد، با یک حالت قهرمانانه‌ای به سمت افق حرکت کردم. به این امید که از من در تاریخ به نیکی یاد شود. پایان.

# شرق

## روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۳ خرداد ۱۳۹۴ • ۵ شعبان ۱۴۳۶ • ۲۴ می ۲۰۱۵ • سال دوازدهم • شماره ۲۳۰۷ • ۲۰ صفحه  
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۳۰ • اذان صبح فردا ۴:۱۲ • طلوع آفتاب ۵:۵۳

#### روزنامه‌فرو

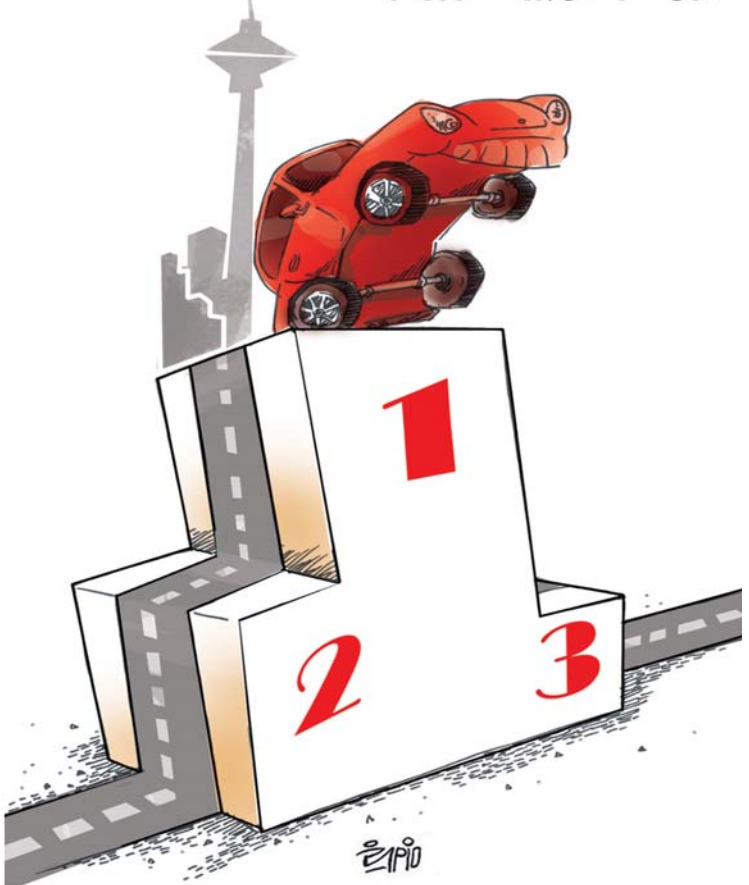
fardashargh@gmail.com

#### کارتون خواب

فیروزه مظفری

firoozeh.mozaffari@gmail.com

ایران صدرنشین پورشه سواری در منطقه شد



#### یاد ایام

سوم خرداد، ما و آن ۱۷۵ غواص شهید

## ارمغان بچه‌های جنگ

از جمله خبرهایی بود که این حس و تفکر مشترک را در همه ایجاد کرد که اگر آنها نبودند، ما هم امروز نبودیم. اما درعین‌حال برای همه یک احساس تأسف و تأثر هم به همراه داشت. خود من با خدوم گفتم: ما از کجا به کجا رسیدیم؟ آن همه ایثار و مقاومت کجا و ما کجا؟ چرا امروز آن ایثارها و راستی‌ها کم شده است. به‌نظر من آنچه بیشتر از هر چیزی باعث تأسف همه است این است که اتفاقات امروز چقدر به صداقت و ایثار آن جوانمردان شبیه است.

رسید. این اتفاق درست هم‌زمان با سوم خرداد در روز آزادسازی خرمشهر به نظر من یک پیام بسیار مهم دارد: وقتی پای بچه‌های جنگ وسط می‌آید، احساسات تمام ایرانی‌های وطن‌دوست غلیان می‌کند. میهن‌پرستان واقعی با هر گرایشی، چه راست باشند، چه چپ، چه موافق باشند، چه منتقد، یک حس مشترک را درباره دفاع مقدس دارند و آن هم غرور و افتخاری است که بچه‌های ایران برای ملت به ارمغان آوردند. شنیدیم خبر دست‌بسته زنده‌به‌گورشدن فرزندان ایران هم



زهرا اشراقی

روزی که خبر کشف پیکر ۱۷۵ غواص شهید را شنیدیم، عکسی از عملیات کربلای ۴ را در شبکه اجتماعی اینستاگرام به اشتراک گذاشتیم و به‌سرعت تعداد دوستداران این عکس به بیش از دو هزار نفر

#### پیشنهاد فردا

#### عکس اربعین؛ یک درنگ و مکث

اربعین سال ۹۳ بیش از همیشه ذهن و زبان افکار عمومی را به دلایل رسانه‌ای و سیاسی به خود مشغول کرد؛ زیرا گروهی از تندروها با دستاویزهای مذهبی تهدید به کشتار زائران حسینی در خاک عراق کرده بودند تا از رفتن آنها به زیارت آستان حضرت سیدالشهدا(ع) جلوگیری کنند، اما این لاف به‌جای کاستن از شمار زائران، افزایش بی‌سابقه ارادتمندان ساحت حسین‌بن‌علی(ع) را در پی آورد. حال که این تب‌وتاب سیاسی در دل روزمرگی فروخواهیده، وقت به میدان آمدن هنر است تا نشان دهد برگزاری اربعین در کربلا، ستنی دست‌کم هزارساله است؛ بگذریم از اینکه نخستین زائر اربعین در همان سال واقعه، صاحبی بزرگوار پیامبر گرامی اسلام (ص) جابرین عبدالله انصاری به همراه عطیه کوفی بود و این آمدوشد از زمان امام صادق (ع) آدابی ویژه پیدا کرد و عمومیت یافت.

هنرمندان عکاس در این سال فرصتی یافته‌اند تا جلوه‌هایی از این سنت دیرپای تاریخی را نشان دهند. این رابطه آن‌چنان عاشقانه، خالصانه و عمیق است که برای نوشیدن ذره‌ای از آن دریای بزرگ، باید در آنجا باشی تا به‌قدر تشنگی از آن بچشی. آداب و آیین‌ها چندان زیاد است که هر زائری از بسیاری از آنها بازمی‌ماند و می‌گذرد؛ برای دیدن این‌همه زیبایی، به کمک هنرمندان نیاز داریم. عکاسان زیباشناس این مجموعه با تصاویرشان به ما چنین کمکی می‌کنند. عکس، یک درنگ و مکث است. زیارت، دیدن و دیدار تماشاگران، هرچند تسلی‌دهنده قلب است، اما غالباً گذراست ولی هنرمند صاحب نگاه، ما را در قاب و قالب عکس به درنگ و تأمل در دیدنی‌ها فرامی‌خواند. تحفه ما جز راه رفته و قلب سوخته، تصاویری است که ثبت کرده و به ارمغان آورده‌ایم. \* کتاب عکس «اربعین» در ۱۶۸ صفحه به سه زبان فارسی، انگلیسی و عربی به مناسبت اعیاد شعبانیه منتشر شد.



احمد مسجدجامعی

#### از این ستون به اون ستون

#### آوارگی

تکان‌های قایق پیر و محتضر، خواب در انبارهای تاریک و بونیاک زیر عرشه، بوی ماهیان مرده، کف لزج و خیس انبار، سکون در میان صدها نفر گرسنه و خسته و بیچاره، چاره‌ای گم‌شده، امیدی ازکفررفته، ناامیدی محض، سرگردانی و آنگاه چهره پسر لاغر برهنه‌ای که رو به دوربین پنجه‌های جمع‌کرده‌اش را به سوی دهان می‌برد، تصویر دخترکی که در لکه کمرنگ آفتاب، تابیده از منفذی بر کف انبار، دراز کشیده و باهای نحیفش را مانند جنین در شکم جمع کرده، چشمان وحشت‌زده یک زن، چشمانی که سر بریده مرد را دیده و حیران و ترسان باقی مانده و در پشت نگاه، ذهنی که اندوه ازدست‌دادن را از یاد برده و گیج از این‌همه بیچارگی کنار فرزنداناش نشسته و چشمان یک مرد خیس از آب دریا و اشک، چسبیده بر صورتی فروت، شناور بر آبی دریا برای گرفتن یک بطری آب، تشنگی در میان آب، ترس از دست‌دادن یک ذره خوراکی، جدانشدن دهانی گرسنه از دهانه پاکت خالی خوراک، به‌مشام‌کشیدن بوی غذای تمام‌شده، بوی غذا در میان بوی ماهی‌گندیده، بوی دوماه‌تنه‌های گرسنه و آواره، بوی خستگی، بوی غم و یاس، بوی مرگ، بوی ظلم، بوی مظلوم، بوی دربه‌دوری، بوی وحشتناک ستم انسان بر انسان. و فراموش‌کردن چهره پدر و دست مادر، نوازش نسیم بامداد، بوی گرم نان، عطر آشپزخانه، سُر خوردن نرم خنکای آب بر زبان، آرامش خواب بر بستر همیشه، آسایش سر بر بالش پر، تماشای سیرشدن کودک، آه‌کشیدن از رسیدن فراغت، بردن دسترنج کار به خانه، تاب‌خوردن بر بلندای درخت، طعم جان‌بخش ریحان، عطر بهشتی هندوانه، رنگ کهربایی انکور، تماشای قدکشیدن جوان، گرمای دوست‌داشتن و دوست‌داشته‌شدن بوی عشق و مهر و مدارا. و فراموشی مهربانی گذران ساده زندگی، خوردن، خوابیدن، خندیدن. و فراموشی هرآنچه خوب، انکار که هرگز نبوده. فراموشی حق انسانی انسان. میانمار، دو هزار نفر، دو ماه، آواره دریا، آونگان ترس و مرگ.



ناهید طباطبایی

# سامسونگ

## SAMSUNG



از ۱۵ اسفند ۹۳ لغایت ۱۲ خرداد ۹۴

فقط با ضمانت  
سرویس  
۰۲۱-۸۲۵۵  
۰۲۱-۸۴۶۴۸۱۰



## عیدانه سامسونگ

### ۳۰ مجموعه لوازم خانگی برای ۳۰ نفر

#### برای خریداران مانیتورها و پرینترهای سامسونگ

برای اطلاع از شرایط قرعه‌کشی حتماً به سایت سام سرویس مراجعه فرمایید.